



## بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت «سفر» در قرآن و عهدین (مطالعه موردی سفرهای حضرت موسی)

آزاده عباسی<sup>۱</sup>

### خلاصه

زیست عملی پیامبران به‌عنوان الگوهای الهی برای هدایت مردم همواره مورد توجه بوده است. از جمله جنبه‌های مهم زیست عملی می‌توان به مقوله «سفر» اشاره کرد. سفر به معنای هرگونه طی مسافت و جابه‌جایی با انگیزه‌های مختلف است. یکی از جنبه‌های مهم زندگی انبیاء سفرهای سرنوشت‌سازی است که داشته‌اند؛ این سفرها گاه به فرمان الهی بوده و گاه خودخواسته صورت گرفته است. حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران اولوالعزم است که هم در قرآن و هم در تورات زوایای گوناگون زندگی ایشان از جمله سفرهایی که داشته است به تصویر کشیده شده است. این پژوهش سعی بر آن دارد تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش بپردازد که سفرهای موسی (ع) در قرآن و تورات تا چه اندازه مورد توجه واقع شده است؟ چه جزئیاتی از این سفرها بیان شده؛ این جزئیات تا چه حد به هم شبیه است و چه تفاوت‌هایی دارد؟ واکاوی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هم قرآن و هم تورات به مسئله سفرهای موسی (ع) ورود پیدا کرده و از وقوع اتفاقاتی مهم در طول این سفرها خبر می‌دهند؛ یعنی در اصل نقل موضوع مشترک بوده و تفاوت‌ها صرفاً در جزئیات است. در خصوص سفر به همراه خضر به‌صورت جزئی و کلی اختلافاتی دیده می‌شود.

کلمات کلیدی: سفر، موسی (ع)، تورات، قرآن، سفرهای موسی (ع)، بررسی تطبیقی

### 1. مقدمه

انسان به‌طور فطری، برای رشد و بالندگی همواره نیازمند راهنماست. روش الگویی، بهترین و کارآمدترین شیوه، برای اصلاح و تربیت فردی و اجتماعی زندگی بشر به شمار می‌آید. به بیان دیگر ارائه الگو و یا به تعبیر قرآنی آن «اسوه» همواره مورد توجه خداوند برای هدایت بشریت بوده است؛ خداوند سبحان با معرفی الگوهای بزرگ، زمینه هدایت انسان‌ها را فراهم

1. دانشیار گروه قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، Abbasi.a@qhu.ac.ir

کرده است. در این راستا خواسته اسلام و نظام تربیتی آن از هدایتگران جامعه آن است که برای هدایت مردم، تنها به تبلیغ و سخن گفتن بسنده نکنند و قبل از هر چیز، خود را از نظر اخلاقی، به گونه‌ای بر اساس تعلیمات و معارف قرآنی بیاریند که با کردار شایسته و فضایل اخلاقی خویش، دعوت‌کننده دیگران به صلاح بوده و خود الگوی حسنه‌ای، برای سایر مردم باشند. زیست عملی انبیاء الهی به‌عنوان الگو و اسوه برای هدایت مردم همواره مورد توجه بوده است. یکی از جنبه‌های مهم زندگی پیامبران الهی سفرهای مکرر ایشان است. آنها در مسیر اجرای فرمان‌های الهی، مجبور به سفرهایی می‌شدند؛ این سفرها گاه به فرمان الهی بوده و گاه خودخواسته صورت گرفته است.

به‌اجمال می‌توان گفت سفر، دارای فواید مختلفی است؛ برای نمونه سفر انسان را با سرنوشت و آثار برجای‌مانده از پیشینیان آشنا می‌کند و این آشنایی، خود بزرگ‌ترین آموزگار بشری است. در واقع، سفر نوعی مطالعه و تأمل در حالات و رفتار کسانی است که تاریخ، سرنوشت و فرجام آنان را برای ما بازگفته است. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران/ 137).

بررسی داده‌های تاریخی نشانگر آنست که بسیاری از انبیاء الهی در زندگی خود به دلایل گوناگون و اغلب به فرمان الهی سفرهایی با انگیزه‌های مختلفی را تجربه کرده‌اند. برخی از این سفرها از حیث مسافت طولانی و برخی دیگر کوتاه بوده است همچنین برخی از این سفرها گاه به اجبار و اکراه صورت پذیرفته است.

آنچه در این میان مهم است اینکه در طول سفرهای ذکر شده اتفاقات مهمی روی داده است که بررسی آنها به‌عنوان تجربه زیسته بسیار مهم است. به دیگر سخن، سفر یکی از بسترهای وقوع اتفاقات مهم زندگی انبیاء به شمار می‌رود. تا جایی که کتابهای آسمانی همچون قرآن و تورات نه تنها به این مقوله توجه داشته‌اند و بلکه گاه به ذکر جزئیات این سفرها نیز پرداخته‌اند.

حضرت موسی (ع) یکی از پیامبران الهی است؛ می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌هایی که در طول تاریخ در زمینه ادیان بشری صورت گرفته، در زمان موسی (ع) و به زعامت وی بوده است (هیوم، 1376، 246). موسی (ع) به دلایل گوناگون سفرهای متعددی را تجربه کرده است؛ این سفرها گاه به‌تنهایی و گاه با همراهی هم‌سفرانی بوده است. جزئیات این سفرها در قرآن و در تورات ذکر شده است؛ و به جهت الگو و راهبر بودن انبیاء الهی قابل مطالعه و فراگیری نکاتی از تجربه زیسته است.

با توجه به اهمیت خاصی که مقوله سفر در رشد آدمی دارد و نیز با عنایت به اینکه قرآن و تورات به‌صورت کلی برای مسئله «سفر» ارزش ویژه‌ای قائل هستند؛ همچنین با عنایت به این نکته که از میان انبیاء الهی به نظر می‌رسد موسی (ع) در مقایسه با سایرین سفرهای بیشتری را در دوران زندگی خود داشته است. پژوهش حاضر سعی دارد از مسیر رهیافت توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که سفرهای موسی (ع) در قرآن و تورات چه اندازه مورد توجه واقع شده است؟ چه جزئیاتی از این سفرها بیان شده؛ این جزئیات تا چه حد به هم شبیه است و چه تفاوت‌هایی دارد؟ به‌عبارت‌دیگر قرآن و تورات از مسافرت‌های پیامبران الهی به‌ویژه موسی (ع) به‌عنوان الگوهای بشر چه زوایایی را به تصویر کشیده است؟ فرضیه پیشرو در این پژوهش آنست که سفر در زندگی افراد به ویژه زندگی پیامبران به عنوان اسوه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به دلیل همین اهمیت است که هم قرآن و هم تورات به جزئیات این سفرهای انبیاء الهی پرداخته‌اند. شایان توجه است که در این میان موسی (ع) به عنوان یک پیامبر الهی سفرهای متعددی را تجربه کرده است که برخی از آنها به همراه بنی‌اسرائیل بوده است. این امکان نیز وجود دارد که این مسئله بدان جهت باشد که پرداخت قرآن و تورات به جنبه‌های گوناگون حیات موسی (ع) بیشتر از سایر فرستادگان الهی است.

#### پیشینه

در یادکرد از سابقه این پژوهش لازم به ذکر است که مقالاتی نگارش شده است. این پژوهش‌های را می‌توان به دو بخش مطالعات قرآنی و بخش مطالعات تطبیقی انجام تقسیم کرد. در بخش مطالعات قرآنی برای نمونه مقاله «روش‌های تبلیغی

حضرت موسی(ع) در قرآن کریم» که توسط علی‌اکبر ضیایی در شماره 36 و 37 مجله فصلنامه مشکوه، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در سال 1371 چاپ شده است. پژوهش بعدی مقاله «بررسی مهارت‌های ارتباطی حضرت موسی(ع) و دختران شعیب در قرآن» که توسط احمد گل‌دار در شماره 118 مجله مشکوه، سال 1392 چاپ شده است. افزون بر آنچه ذکر شد پژوهش‌هایی هم در حوزه مطالعات تطبیقی انجام شده است. برای نمونه مقاله «سیمای بنی‌اسرائیل در قرآن و عهدین» که توسط ابوالفضل روحی، در شماره 95 مجله معرفت در سال 1384 چاپ شده است. مقاله «میقات حضرت موسی(ع) در قرآن، عهد عتیق و تفاسیر اسلامی» توسط مؤگان سرشار در شماره 52 مجله صحیفه مبین نوشته شده و در سال 1391 چاپ شده است.

به نظر می‌رسد اگرچه مقالات در هر دو بخش ذکر شده پر شمار است اما هیچ‌کدام به جنبه سفرهای حضرت موسی(ع) توجه نداشته‌اند.

## 2. مبانی نظری

پیش از ورود به بحث بایسته است دو مقوله مهم آشنایی با حضرت موسی(ع) و نیز چیستی سفر، بازخوانی شده و به‌عنوان مبانی بحث مورد توجه قرار بگیرد.

### 2-1. حضرت موسی(ع)

موسی(ع) از پیامبران اولوالعزم، دارای شریعت و کتاب مستقل به نام تورات و دعوت جهانی بود. او از نسل حضرت ابراهیم(ع) است و با شش واسطه به آن حضرت می‌رسد. نام او صد و سی‌وشش بار در قرآن آمده است (عبدالباقی، 1374؛ 794) داستان حضرت موسی(ع) که از ولادت ایشان آغاز شده و ادامه می‌یابد یکی از مفصل‌ترین و پرتکرارترین داستان‌های قرآن و تورات است (طباطبایی، 1417، 14/149). شایان توجه است که نص قرآن در وقایع موسی با مندرجات تورات فعلی زیاد موافقت دارد (خزائی، 1398، 617/). از جمله بخش‌های مهم زندگی این پیامبر الهی سفرهای اوست بدین جهت که اتفاقات مهمی در دل این سفرها روی داده است.

از سویی دیگر در خصوص مندرجات تورات، محققان در عین اینکه تألیف اسفار پنج‌گانه و قوانین تورات به دست موسی را کمابیش منکر هستند اما برای جناب موسی(ع) در تاریخ قوم یهود مقامی عالی و مرتبتی رفیع و احترامی شایان قائل‌اند و او را صاحب شخصیت خلاق عظیمی می‌دانند (ناس، 1375، 491). جستارهای مطالعاتی نشان می‌دهد که در دو کتاب از اسفار خمسه یعنی سفر خروج و سفر اعداد بخش قابل توجهی از مضامین و محتوای آن‌ها به احوالات انبیاء بنی‌اسرائیل و به‌ویژه موسی(ع) اختصاص دارد (کلباسی اشتری، 1387؛ 246).

### 2-2. چیستی سفر

سفر از ریشه «سفر» به معنای کنار زدن پوشش (فراهیدی، 1410، 246/7؛ راغب، 1412، 414)، روشنایی و نور روز (فراهیدی، 246/1410، 7) و جارو کردن خانه به‌کاررفته است. بر این پایه «سفر» در اصطلاح، واژه متقابل «حضر» و به معنای پیمودن مسافت (طریحی، 3، 333/1375) است. بدان جهت به این عمل سفر گفته شده که در پیمودن راه، پرده ازسیرت افراد برداشته شده و نهان‌ها آشکار می‌شود (أزهری، 1421، 274/4). به‌طور کلی چنانکه در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نقل شده، سفر عبارت است از «هرگونه طی مسافت و جابه‌جایی بانگیزه‌های مختلف» (صحرای و دیگران، بی‌تا، 23/660). دهخدا در تعریف سفر می‌گوید: «سفر مقابل حضر و به معنای قطع مسافت است»؛ بر این اساس به‌اجمال می‌توان گفت سفر هرگونه جابه‌جایی افراد از محلی به محل دیگر به هر منظوری یا هر مدت‌زمانی گفته می‌شود. این جابه‌جایی

می‌تواند با وسیله یا بدون هیچ وسیله حمل‌ونقلی صورت بگیرد؛ شایان توجه است که سفر می‌تواند به مقاصد گوناگونی انجام شود؛ همچنین یک سفر می‌تواند به اجبار یا اختیار روی دهد. از منظری دیگر، سفر به دو گونه قابل تقسیم است؛ سفر عرفی آن است که شخص مسافتی را طی کند و به مقصدی معین برسد حال آنکه سفر شرعی پیمودن مقدار مسافت خاصی است که سبب قصر نماز و افطار روزه می‌شود (صادقی و دیگران، بی‌تا، 447/8).

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان سفر را صرفاً به معنای سفر شرعی در نظر گرفت و نیز می‌توان به صورت اعم، هرگونه طی مسافتی را سفر دانست. در پژوهش حاضر معنای عام سفر در نظریه‌ی مطلق طی مسافت در نظر گرفته شده است.

### 3. مسافرت‌های موسی (ع)

با توجه به تعاریف ارائه‌شده از موسی (ع) و مأموریت‌های او و نیز معنای عام سفر، در ادامه، این پژوهش مسافرت‌های موسی (ع) از منظر قرآن و عهدین را مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### 3-1. مسافرت موسی (ع) در نوزادی

موسی (ع) اولین سفر خود را در زمان نوزادی تجربه می‌کند. موسی (ع) نوعی از جابه‌جایی و طی مسافت را تجربه کرده، هرچند که او در این رویداد مختار نبوده است؛ مطابق با تعریفی که پیش‌تر از سفر بیان شد می‌توان گفت او نوعی سفر داشته است. مادر موسی (ع) برای رهایی او از مرگ، او را در نوزادی به سفری می‌فرستد.

#### روایت قرآن از مسافرت موسی (ع) در نوزادی

از بررسی قرآن به دست می‌آید که مادر موسی (ع) از ترس فرعونیان وی را درون صندوقی قرار داده و او را به دریا می‌افکند! قرآن این ماجرا را چنین به تصویر می‌کشد: «إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ۖ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي الْتَابُوتِ فَأَقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ» (طه/39).

در این آیه کلمه «تابوت» به معنای صندوق و شبه آن است (ابن جوزی، 1422، 158/3)؛ توجه به این نکته ضروری است که منظور صندوقی که مردگان را در آن می‌نهند، نیست، بلکه مفهوم وسیعی دارد که گاهی به صندوق‌های دیگر نیز گفته می‌شود همان‌گونه که در داستان طالوت و جالوت در سوره بقره ذیل آیه 248 نیز آمده است (مکارم شیرازی، 1374، 200/13). همین مضمون در آیه 7 سوره قصص نیز آمده است: «فَإِذَا خِفتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ». از محتوای این آیه به دست می‌آید که مادر موسی (ع) از افکندن موسی (ع) به دریا دل‌نگران بوده است یعنی او نمی‌دانسته چه اتفاقی خواهد افتاد؛ لذا به او وعده داده می‌شود که «إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ»؛ این مطلب نشان می‌دهد که فاصله مکانی میان محل زندگی موسی (ع) و مادرش با دربار فرعون، نمی‌تواند فاصله بسیار نزدیکی باشد به حدی که مادر موسی (ع) احتمال بدهد که وقتی او را به دریا انداخت توسط درباریان گرفته خواهد شد و او جان سالم به در خواهد برد. این سخن بدان معنا است که موسی (ع) درون صندوق فاصله قابل توجهی را طی کرده و سفری نه‌چندان کوتاه را تجربه کرده است.

در صحنه بعد قرآن تصویر پایان این سفر را ترسیم می‌کند: «فَلْيَلْغِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذُهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَالْقَلِيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَ لَتُنْصَنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي» (طه/39) در تصاویر ترسیم شده در این آیات کودکی بی‌دفاع در صندوقچه‌ای نشان داده می‌شود که دریا او را به ساحل می‌آورد! و بنا بر اراده الهی دشمن او، سرپرستی از او را بر عهده می‌گیرد!

(طبرسی، 1372، 7/ 19) جمله «فَلْيُلْقِهِ الْأَيْمُ» به معنی «دریا باید او را بیرون افکند» به صورت امر است تا به تحقق وقوع آن اشاره کند و مفادش این است که ما به دریا امر کرده‌ایم امری تکوینی، پس این قضیه حتماً واقع خواهد شد (طباطبایی، 1417، 14/ 150).

بر اساس آنچه در تعریف سفر یاد شد در این پژوهش معنای عام از سفر مورد نظر است؛ توضیح اینکه موسی(ع) توسط مادرش به دریا افکنده می‌شود و این افکنده شدن به آب در نقطه‌ای است که از چشم فرعونیان به دور است. از سویی دیگر موسی(ع) در ساحلی توسط فرعونیان از آب گرفته می‌شود که از دید مادر موسی(ع) نیز به دور است و او نمی‌داند که چه بر سر فرزندش آمده است؛ شایان توجه است اطلاعاتی در خصوص میزان مسافت طی شده در دست نیست اما به لحاظ طی مسافت در درون صندوق می‌توان به آن اطلاق سفر کرد.

به‌رحال موسی(ع) بعد از سفری دریایی در ساحل توسط فرعونیان از آب گرفته می‌شود و به جهت محبتی که خداوند در دل ایشان افکنده بود است از کشته شدن جان سالم به درمی‌برد: «الْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي». در آیه بعد قرآن به بیان نقش خواهر موسی(ع) پرداخته و توضیح می‌دهد که او به فرعونیان پیشنهاد می‌دهد که خانمی را برای شیر دادن بچه بیاورد؛ توجه به این نکته ضروری است که قرآن در مورد اتفاقات رخ داده در دربار فرعون و اینکه موسی(ع) چگونه دوباره به آغوش مادرش برمی‌گردد نکاتی را ذکر کرده است (رک: سوره طه / 40-42). از محتوای آیات به دست می‌آید که موسی(ع) در این سفر تنها بوده و هم‌سفری نداشته است. مادر موسی(ع) با پشتوانه الهامی که دریافت کرده او را به تنهایی درون تابوت قرار داده و به دریا انداخته است.

#### روایت تورات از سفر موسی(ع) در نوزادی

مطالب تورات حاکی از اتفاقات زمان ولادت موسی(ع) و نیز سفر او در نوزادی است (خروج 1: 1-22): «از زمانی که فرزندان یعقوب و خانواده‌هایشان به مصر مهاجرت کرده بودند، سال‌ها گذشت و یوسف و برادرانش و همه فرزندان ایشان درگذشتند ولی فرزندان که از ایشان به وجود آمدند، به سرعت زیاد شدند و قومی بزرگ تشکیل دادند...» در ادامه آمده است: «سپس مصری‌ها قوم بنی‌اسرائیل را برده خود ساختند و به کار اجباری فرستادند و مأمورانی بر آن‌ها گماردند و نیز به قابله‌های اسرائیلی دستور داد تا هنگام تولد، پسرها را بکشند و دخترها را زنده نگاهدارند ولی قابله‌ها چون از خدا می‌ترسیدند، از دستور او سرپیچی می‌کردند...» (همان) در آن زمان، مردی از قبیله لاوی با یکی از دختران لاوی ازدواج کرد و ثمره آن پسری بسیار زیبا بود. مادرش سه ماه او را پنهان کرد اما نتوانست ادامه دهد. سرانجام او را در سبدی قیراندود نهاد و در نیزارهای رود نیل رها ساخت و خواهر او از دور مراقب بود تا ببیند چه می‌شود. دختر فرعون در حال آبتنی بود و دو کنیزش در اطراف رودخانه گشت می‌زدند که چشمش به سبدی افتاد. کنیز سبد را گرفت. هنگامی که سبد را باز کردند، طفلی گریان دیدند...» در ادامه آمده است: «او گفت: این بچه باید متعلق به عبرانی‌ها باشد. همان وقت خواهر بچه به نزد او آمد و گفت که آیا می‌خواهد بچه را نزد یکی از زنان شیرده عبرانی ببرد تا او را شیر دهد؟ دختر فرعون قبول کرد و کودک به خانه‌اش برگشت. وقتی کودک بزرگ شد مادرش او را نزد فرعون برد و او کودک را به فرزندگی قبول کرد و او را موسی نامید.» (خروج 2: 1-10) به نظر می‌رسد این قسمت از زندگی موسی(ع) با نام او به معنای «از آب کشیده شده» همخوانی بسیاری دارد (هاکس، 1377، 930).

اینکه خواهر موسی صندوق را دنبال کرد نشان می‌دهد که فاصله طی شده توسط صندوق درون دریا از منطقه‌ای از شهر کنار ساحل به منطقه‌ای دیگر رفته است و بنا بر آنچه در تعریف سفر بیان شد می‌توان به این جابه‌جایی، سفر اطلاق کرد.

از مقایسه آیات قرآن و تورات در خصوص مسافرت موسی(ع) در نوزادی به نظر می‌رسد که هم قرآن و هم تورات در خصوص اصل سفر موسی(ع) در نوزادی اتفاق نظر داشته و به عنوان یکی از مراحل مهم زندگی موسی(ع) به آن پرداخته‌اند؛ به دیگر سخن هر دو وجود چنین سفری را نقل کرده‌اند اما در جزئیات تفاوت‌هایی دارند. از جمله تفاوت‌های مهمی که در نقل روایت این سفر در قرآن و تورات دیده می‌شود؛ نقطه سرآغاز سفر است. قرآن نقل روایت را با مسئله الهام به مادر موسی(ع) آغاز می‌کند و اصلاً اشاره‌ای به شرایط زمان، مکان و اوضاع سیاسی و فرهنگی موجود ندارد اما تورات به تفصیل در خصوص اوضاع فرهنگی جامعه سخن می‌گوید. قرآن در مورد سن موسی(ع) در این سفر ساکت است اما از قرائنی همچون شیردادن مادر موسی(ع) به او و نیز قرار گرفتن وی در تابوت می‌توان به دست آورد که موسی(ع) در این سفر نوزاد بوده است؛ اما تورات در این خصوص تصریح دارد که موسی(ع) نوزادی سه‌ماهه بوده است. تفاوت بعدی در خصوص کیفیت جعبه‌ای است که مادر موسی(ع) انتخاب می‌کند و او را درون آن قرار می‌دهد. قرآن از این بسته به «تابوت» تعبیر می‌کند حال آنکه تورات می‌گوید «سبد قیراندود» بوده است. افزون بر این قرآن تصریح دارد که مادر موسی(ع) او را به دریا انداخته است حال آنکه تورات بیان می‌کند که او را در لابه‌لای نیزارها گذاشتند. تفاوت مهم دیگری نیز وجود دارد اینست که قرآن می‌گوید موسی(ع) توسط دشمنان اصلی اش یعنی فرعون و خانواده اش از آب گرفته می‌شود در حالی که تورات می‌گوید دختر فرعون او را پیدا می‌کند. زوایای روایتی که قرآن و تورات از سفر موسی(ع) در نوزادی نقل می‌کنند مشترکاتی نیز دارد. مهم‌ترین فصل مشترک وجود دشمنی است که بیم از او و خطر جانی بالقوه سبب می‌شود که مادر موسی(ع) او را در نوزادی به سفری نامعلوم بفرستد. نقطه مشترک بعدی وجود خواهری است که نقش اصلی در بازگرداندن موسی(ع) به آغوش مادر را بازی می‌کند. در همین راستا بازگشت موسی(ع) به آغوش مادرش و نیز شیر دادن مادر به عنوان نقاط مشترک بعدی قابل ذکر است.

به‌اجمال می‌توان گفت بررسی‌ها نشان می‌دهد که قرآن و تورات در نقل سفر موسی(ع) در نوزادی مشترک هستند اما در جزئیات باهم تفاوت دارند. این تفاوت‌ها به اصل موضوع سفر خدشه‌ای وارد نمی‌کند. سفر هرچند از نظر زمان و مکان کوتاه باشد بخش مهمی از زندگی افراد و انبیاء الهی به‌عنوان اسوه و الگو به شمار آمده و دستاوردهای زیادی به دنبال دارد. مهم‌ترین دستاورد این سفر، در امان ماندن جان موسی(ع) و رهایی او از کشته شدن است.

### 3-2. سفر برای رهایی از توطئه

سفر دیگری که در قرآن و تورات ذکر شده آنست که موسی در جوانی برای رها شدن از خطر کشته شدن به اجبار از مصر خارج و راهی مدین می‌شود. در تعریف سفر بیان شد که به هرگونه طی مسافت و جابه‌جایی با انگیزه‌های مختلف سفر گفته می‌شود.

### روایت قرآن از سفر موسی(ع) به سوی مدین

قرآن در آیات 15 تا 21 سوره قصص به بیان حوادثی می‌پردازد که سبب خروج موسی(ع) از مصر و حرکت به سوی مدین می‌گردد. حضرت موسی(ع)، در خانه‌ی فرعون و در نعمت بزرگ‌شده است اما نزاعی ناخواسته سبب می‌شود که آن حضرت که منجی قوم خویش بود، از میان فرعونیان بگریزد: «... فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ» (قصص/15). در عبارت «فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ» کلمه «وکر» به معنای طعن و دفع و زدن با تمامی کف دست است (ابن جزئی، 1416، 110/2). قرآن بیان می‌کند که موسی(ع) به دنبال این حادثه توبه کرده و خداوند نیز او را مورد غفران قرار می‌دهد (رک: قصص/ 16 و 17). در اثر این واقعه، فرعونیان در خفا توطئه می‌کنند که موسی(ع) را به دار بیاویزند. حضرت موسی(ع) از این جریان باخبر شده، با سختی فراوان، از مصر به سمت شمال حجاز و شهر مدین می‌گریزد (فیض کاشانی، 1415، 301/3) و بدین ترتیب سفر دیگری برای موسی(ع) آغاز می‌شود. ماجرای اتفاقات این سفر در ادامه



تورات این سفر را چنین نقل کرده: «موسی بزرگ شد. روزی به دیدن قوم خود می‌رفت که یک مصری را دید که یک عبرانی را می‌زد. پس موسی او را کشت و جسدش را در زیر شن‌ها پنهان کرد. روز بعد نیز هنگامی که به دیدن قومش می‌رفت دو عبرانی را دید که یکی دیگری را می‌زند، موسی به او گفت که چرا برادر خود را می‌زند؟ اما آن شخص گفت: آیا می‌خواهد مثل آن مصری او را هم بکشد؟ خبر به گوش فرعون رسید و فرعون دستور کشتن موسی را صادر کرد، اما موسی به سرزمین مدیان فرار کرد. در آنجا سر چاهی نشسته بود، هفت دختر کاهن مدیان (یترون) آمدند تا آبشخورها را برای گله‌ها پر کنند که چوپانان آنان را از سر چاه کنار زدند. موسی جلو رفت و چوپانان را کنار زد و به دختران در سیراب کردن گله‌ها کمک کرد. دختران به خانه پدر برگشتند و پدر علت زود آمدن را سؤال کرد و آن‌ها گفتند مردی مصری به آن‌ها کمک کرد. پس پدر آن‌ها را فرستاد تا او را دعوت کنند که با آن‌ها غذا بخورد. موسی نیز دعوت را قبول کرد و از آن‌پس در خانه آن‌ها ماند و یترون دختر خود صفوره را به عقد موسی درآورد» (خروج 2: 11-22)

روایت این سفر در قرآن و تورات حکایت از اهمیت سفر به عنوان بخشی از زندگی دارد. این دو نقل از یک روایت علاوه بر شباهت‌هایی که باهم دارد تفاوت‌هایی نیز دارد. یکی از شباهت‌ها اینست که موسی (ع) به جهت رهایی از توطئه کشته شدن به ناچار شهر را ترک می‌کند. وجه شباهت دیگر در این زمینه دیدار موسی (ع) با دختران شعیب و کمک به آنها است. البته در تعداد دختران تفاوت وجود دارد. به نحوی که قرآن 2 دو دختر و تورات 7 دختر را ذکر می‌کند. این روایت در بخش پایانی خود هم در قرآن و هم در تورات به ملاقات با پیری ختم می‌شود. قرآن از این فرد نامی به میان نمی‌آورد و تنها از روایات اسلامی برداشت می‌شود که این فرد شعیب نبی بوده است؛ این در حالی است که در تورات نقل شده که آن‌ها دختران کاهن مدیان (یترون) بودند. قرآن توضیح می‌دهد که پدر دختران به موسی (ع) می‌گوید که می‌تواند با یکی از دختران او ازدواج کند به شرطی که 8 سال اجیر او باشد اما در کتاب مقدس فقط مسئله ازدواج با یکی از دختران مطرح است و خبری از اجیر بودن 8 ساله نیست.

پرداختن به سفر به عنوان بخشی از زندگی موسی (ع) که در آن حوادث مختلفی روی داده است در کنار سایر بخش‌های سرگذشت موسی (ع) حکایت از اهمیت مقوله سفر و توجه به جایگاه آن دارد.

### 3-3. سفر آغاز رسالت

سفر دیگری که قرآن و تورات برای موسی (ع) از آن یاد می‌کنند سفری است که در آن رسالت موسی (ع) شروع شده است.

#### روایت قرآن از سفر آغاز رسالت

از بررسی سیاق آیات سوره طه (رک: طه / 9-13) به نظر می‌رسد که آغاز رسالت موسی (ع) در خلال سفری رخ داده است. در ادامه این آیات خداوند به موسی فرمان می‌دهد که به سوی فرعون برود چون او طغیان کرده است: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» این مجموعه از آیات در سوره نمل نیز تکرار شده است (رک: نمل / 7-9) سیاق این آیات ماجرای را که از این داستان در سوره‌های دیگر آمده تأیید نموده و گواهی می‌دهد بر اینکه موسی (ع) با خانواده‌اش در سفری بوده است: «وَسَارَ بِأَهْلِهِ...» (قصص/29). در این آیه واژه «سار» به معنای طی طریق و مسافت است چه شبانه باشد و چه در طی روز رخ داده باشد (مدنی، 1384، 143/8) بنابراین موسی (ع) حتما سفری را تجربه کرده است. موسی (ع) خانواده‌اش را به سوی مصر می‌برده ولی در بین حرکت راه را گم کرده و خودش و خانواده‌اش در شبی تاریک دچار سرما شده بودند. از سیاق برمی‌آید که آتش مذکور تنها برای آن جناب هویدا شده و غیر او کسی آن را ندیده است، وگرنه به‌طور نکره نمی‌گفت: «إِنِّي أَنَسْتُ نَارًا» بلکه آن را نشان می‌داد و به آن اشاره می‌کرد (بیضاوی، 1418، 24/4).

مطابق آیات قرآن موسی (ع) در این سفر همراهانی داشته است. افزون بر آیه 29 سوره قصص که پیشتر بیان شد؛ با توجه به اینکه «أمکثوا» از ماده «مکث» به معنی توقف کوتاه است (طریحی، 1375، 264/2) بدین معنی که موسی (ع)



به همراهان خود گفته است کمی درنگ کنید (نسفی؛ 1416، 78/3). از مجموع این تعبیرات چنین استفاده می‌شود که موسی(ع) با همسر و فرزند خود همراه بوده است.

وقتی موسی(ع) نزد آتش رسید ندای الهی به گوش موسی رسید و نبوتش آغاز شد. دلیل دیگری که می‌توان از آن به عنوان همراه داشتن موسی(ع) یاد کرد آنست که مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان آمده است که اینکه خطاب را به صیغه جمع آورده و فرموده است: «اتیکم- برایتان بیاورم» (طبرسی، 7/1372، 211). احتمال هم دارد که در آن روز به غیر همسرش شخص و یا اشخاص دیگری از قبیل: خادم، یا مکاری (کرایه دهنده)، یا غیر آن همراهش بوده باشند (طباطبایی، 1417، 15/341).

### روایت تورات از سفر آغاز رسالت

ماجرای این سفر در تورات آمده است: «موسی گله‌ی پدرزن خود یترون، کاهن مدیان را شبانی می‌کرد. گله را بدان طرف صحرا راند و به حوریب که جبل الله باشد، آمد. فرشته‌ی خدا «شعله‌ی آتش»، از میان بوته‌ای بر وی ظاهر شد و چون او نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است، اما سوخته نمی‌شود. موسی گفت: «اکنون بدان طرف شوم و این امر غریب را ببینم که بوته چرا سوخته نمی‌شود». در ادامه آمده است: از میان بوته به وی ندا داد و گفت: «ای موسی! ای موسی!» گفت: «بلی!» خداوند فرمود: «بیش از این نزدیک میا! نعلین خود را از پاهایت بیرون کن؛ زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدسی است. من خدای اجداد تو ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستم» آنگاه موسی روی خود را پوشانید؛ زیرا ترسید که به خدا نگاه کند...» (خروج، 3: 1-20).

شایسته توجه است که لازمه چوپانی طی مسافتی قابل توجه و خروج از محل زندگی است. معمول است که چوپان به همراه گله به سمت محل چرا رفته و به چوپانی و رتق و فتق امور آن مشغول می‌شود؛ چنانکه پیشتر در تعریف سفر بیان شد: «هرگونه طی مسافت و جابه‌جایی با انگیزه‌های مختلف» را سفر می‌گویند بنابراین در اینجا، انگیزه از طی مسافت چوپانی کردن است. به عبارت دیگر لازمه چوپانی کردن، طی مسافت یعنی سفر کردن است.

چنانکه ملاحظه می‌شود سفر موسی(ع) و دیدن آتش هم در قرآن و هم در تورات آمده است؛ نقطه مشترک میان این دو روایت آن است که همچنان که قرآن این سفر را سفری معرفی می‌کند که موسی(ع) در آن به نبوت می‌رسد نقل تورات نیز همین مطلب را نشان می‌دهد.

هم قرآن و هم تورات تصریح دارند که دیدن شعله‌ای از آتش در سرزمینی به نام «وادی مقدس» اتفاق افتاده است و موسی(ع) در آنجا ندای الهی را شنیده و همچنین در این منطقه بوده است که خداوند به موسی(ع) فرمان درآوردن نعلین و رفتن به سوی فرعون را داده است.

تفاوت‌های زیادی میان این دو روایت و نقل وجود دارد. قرآن توضیح می‌دهد که موسی(ع) در شبی تاریک و سرد راه‌گم کرده بوده و با دیدن شعله‌ای از آتش برای یافتن راه نجات به سوی آن می‌رود؛ حال آنکه تورات بیان می‌کند که موسی(ع) فرشته شعله آتش را دیده و برای کنجکاو به سوی آن می‌رود. مطابق نقل قرآن در این سفر موسی(ع) به همراه خانواده خود راهی مصر بوده است حال آنکه مطابق نقل تورات موسی(ع) تنها و مشغول چوپانی برای ارباب خود بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد هم قرآن و هم تورات تصریح دارند که موسی(ع) در این سفر به هنگام رؤیت شعله‌ای آتش، به نبوت رسیده است اما در جزئیات آن اختلافاتی باهم دارند که به اصل موضوع صدمه‌ای وارد نمی‌کند. این پرداخت مشترک نشان دهنده جایگاه مهم سفر در زندگی انبیاء الهی است؛ به دیگر سخن از آنجا که انبیاء الهی برای سایر مردم به عنوان الگو شناخته می‌شوند ابعاد گوناگون زندگی ایشان نیز دارای اهمیت است و سفری که از این جنبه‌های مهم است.

### 3-4. سفر موسی(ع) به همراه بنی اسرائیل و عبور از دریا

یکی دیگر از سفرهایی که برای موسی(ع) نقل شده؛ خروج او به همراه بنی‌اسرائیل از مصر است. لازم به ذکر است که زوایای مهمی از این سفر در قرآن و تورات آمده است که در این مجال به اختصار بررسی خواهد شد.

### روایت قرآن از سفر موسی(ع) به همراه بنی‌اسرائیل

در آیات قرآن داستان این سفر این‌گونه روایت می‌شود: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِيٰ إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ» (شعراء/52) این‌یک برنامه الهی است که شما شبانه حرکت کنید و آن‌ها نیز آگاه شوند و به تعقیب شما بپردازند و آنچه باید در این میان بشود، بشود.

شایان توجه است که باوجود آنکه موسی(ع) از طرف خداوند مأموریت پیدا می‌کند که به همراه بنی‌اسرائیل از مصر خارج شده و به سفر برود اما مقصدی این سفر معلوم نیست! به‌رحال موسی(ع) این فرمان را اجرا کرد و دور از چشم دشمنان، بنی‌اسرائیل را بسیج کرده فرمان حرکت داد و مخصوصاً شب را به دستور خدا برای این کار انتخاب نمود تا برنامه‌اش حساب‌شده‌تر باشد (مکارم شیرازی، 1374، 237/15). قرآن در این خصوص می‌گوید «فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» (شعراء/53) فرعونیان به دنبال موسی(ع) و بنی‌اسرائیل به راه افتادند. در منطقه‌ای موسی(ع) و همراهانش در میان دریا و فرعونیان قرار می‌گیرند و راه فراری ندارند. موسی با اعتماد و اطمینان به خدا گفت: آن‌ها هرگز بما دسترسی پیدا نمی‌کنند. خدا یاور من است و مرا به راه نجات رهنمون می‌گردد (طبرسی، 1372، 300/7). در این هنگام به موسی(ع) وحی می‌شود که با عصای خود به دریا بزند: «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ» در اثر این ضربه دریا شکافته می‌شود: «فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ». موسی(ع) و یارانش از دریا عبور کرده و فرعونیان نیز به دنبال آن‌ها وارد دریا می‌شوند: «وَأَرْزَلْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ». خداوند در ادامه آیات نجات موسی(ع) و یارانش و همچنین غرق شدن فرعونیان را به خود نسبت می‌دهد: «وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ثَمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ» (شعراء/64).

### روایت تورات از سفر موسی(ع) به همراه بنی‌اسرائیل

سفر موسی(ع) به همراه بنی‌اسرائیل و عبور آن‌ها از دریا در کتاب مقدس نیز آمده است. بعد از مدت‌ها درگیری سرانجام فرعون به بنی‌اسرائیل اجازه می‌دهد تا از مصر بیرون (خروج: 13؛ 17 و 18) پس‌از آن خداوند به موسی فرمود به قوم من بگو که به‌سوی فم الحیروت که میان مجدل و دریای سرخ و مقابل بعل صفون است برگردند و در کنار دریا خیمه زنند. فرعون گمان خواهد کرد که چون روبروی شما دریا و پشت سر شما بیابان است، شما در میان دریا و صحرا به دام افتاده‌اید (خروج: 14؛ 3 و 4). در ادامه این روایت در تورات آمده است که «قوم اسرائیل از آن راه خشک در میان دریا گذشتند درحالی‌که آب دریا در دو طرف راه، همچون دیواری بلند برپاشده بود. در این هنگام تمام سواران و اسب‌ها و عرابه‌های فرعون در پی قوم اسرائیل وارد دریا شدند» (همان: 23 و 24). وقتی همه قوم به آن‌طرف دریا رسیدند خداوند به موسی فرمود بار دیگر دست خود را به‌طرف دریا دراز کن تا آب‌ها بر سر مصری‌ها و اسب‌ها و عرابه‌هایشان فروریزد... . مصری‌ها کوشیدند فرار کنند اما خداوند همه آن‌ها را غرق کرد...! به‌طوری‌که از لشکر فرعون حتی یک نفر هم زنده ماند (همان: 27 و 28).

کلید این سفر موسی(ع) که همراه بنی‌اسرائیل و به‌اجبار و برای رهایی از ستم فرعونیان بوده هم در قرآن و هم در تورات ذکر شده است. این مسئله حکایت از اهمیت سفر به عنوان بخش ویژه‌ای از زندگی به ویژه زندگی پیامبران به عنوان اسوه و الگوهای برگزیده دارد. باوجود اینکه در اصل روایت این سفر شباهت‌هایی وجود دارد اما در جزئیات تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. برای نمونه قرآن صحبت از سیر شبانه بنی‌اسرائیل به‌سوی مقصدی نامشخص دارد اما تورات «فم الحیروت» را به‌عنوان مقصد سفر معرفی کرده و به بنی‌اسرائیل فرمان می‌دهد تا در آنجا خیمه بزنند. در آیات قرآن بیان می‌شود که فرعون برای مقابله با بنی‌اسرائیل از همه‌جا نیرو جمع می‌کند حال آنکه تورات در این خصوص ساکت است.

افزون بر این در اینکه موسی (ع) به همراه بنی اسرائیل میان دریا و فرعونیان گیر می‌افتند و سپس با ضربه عصای موسی (ع) از دریا عبور می‌کنند. قرآن و تورات اتفاق نظر دارند.

### 3-5. سفر موسی (ع) و دیدار با پیر دانا

افزون بر سفرهایی که ذکر شد قرآن سفر دیگری، برای موسی را نیز به تصویر کشیده است. نقطه عزیمت این سفر آنجاست که خداوند متعال، اراده کرد که به حضرت موسی (ع)، فردی داناتر از خودش را نشان بدهد! موسی (ع) در این سفر به دیدار پیر دانا رفته و او را همراهی می‌کند (القمی، 1367، 40/2).

آیات قرآن در مورد ملاقات موسی (ع) با بنده‌ای از بندگان خدا - خضر (ع) - گزارش‌هایی را نقل می‌کند. پیر دانایی که به او رحمت و علم داده شده و موسی (ع) از او تقاضای تعلیم دارد (کهف / 65-69). در تفاسیر قرآن و به‌ویژه تفاسیر عرفانی در این خصوص نکات بی‌شماری وجود دارد (رک: قشیری، 2000 م، 412/2؛ پورجوادی، 1369، 125/1). لازم به ذکر است که قرآن با جزئیات از گفتگو و اتفاقات روی داده میان موسی (ع) و پیر دانا (خضر) سخن می‌گوید. جزئیات این سفر در آیات 62 تا 80 سوره کهف آمده است.

در مورد سفر موسی (ع) به همراه خضر در تورات نکته خاصی ذکر نشده و تنها می‌توان به آن بخش از قانون عرفی یهود در مورد تفسیر متون مقدس اشاره کرد. افسانه‌ای که بر اساس آن، یکی از خاخام‌های یهودی به نام Yohshuab Levi در قرن سوم به صورت معجزآسایی با لباس نبی همراه می‌شود. او در این همراهی با آزمون‌هایی مواجه می‌شود که موسی قرآن با آن روبه‌رو گشت (ماسون، 1379، 504).

با وجود اینکه سفر موسی (ع) به همراه خضر در قرآن با جزئیات فراوان ذکر شده اما به دلیل عدم پرداخت آن توسط کتاب مقدس بررسی مقایسه‌ای و تحلیل تطبیقی سالیانه به انتفاع موضوع خواهد بود و این مسئله تنها از آن جهت که قرآن به عنوان بخش مهمی از زندگی موسی (ع) بدان پرداخته حائز اهمیت است یعنی قرآن به عنوان یک سفر و بخش مهمی از زندگی موسی (ع) از آن یاد کرده است.

### 4. نتیجه‌گیری

پژوهش انجام‌شده نکات زیر می‌تواند دستاوردهای زیر را ارائه دهد:

- واکاوی‌های انجام‌شده نشانگر آن است که در طول زندگانی موسی (ع) سفرهای متعددی رخ داده است.
- قرآن و کتاب مقدس در مناسبت‌های مختلف سفرهای موسی (ع) را نقل کرده‌اند. به این معنی که در نقل اصل سفرها قرآن و کتاب مقدس رویکرد یکسانی دارد. این سفرها عبارت‌اند از سفر موسی (ع) در نوزادی؛ سفر آغاز رسالت؛ سفر برای رهایی از توطئه فرعونیان؛ سفری به همراه بنی اسرائیل و عبور از دریا!
- جزئیات سفرهای موسی (ع) در قرآن و کتاب مقدس تفاوت‌هایی باهم دارد. البته این تفاوت‌ها به گونه‌ای نیست که به اصل سفر خدشه‌ای وارد کند. به دیگر سخن این تفاوت‌ها به نحوی نیست که قرآن سفری را ذکر کند اما کتاب مقدس آن را نقل کرده باشد و برعکس! تنها سفری که قرآن آن را نقل کرده و کتاب مقدس از آن سخنی به میان نمی‌آورد سفر موسی (ع) به همراه خضر است.
- اینکه قرآن و تورات هر دو مسئله سفرهای موسی (ع) را ذکر می‌کنند می‌تواند حکایت از اهمیت سفر به عنوان بخشی از زندگی انبیاء الهی باشد. اینکه مقوله سفر دارای موضوعیت است و می‌تواند به عنوان بستری مناسب برای رخ داد حوادث گوناگون زندگی معرفی شود.

- قرآن کریم
- کتاب مقدس (2002 م)، ترجمه تفسیری، انجمن بین‌المللی کتاب مقدس.
1. ابن جزی، محمد بن احمد (1416ق)، "التسهیل لعلوم التنزیل"، شرکت دار الارقم بن ابی الارقم، بیروت.
  2. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (1423ق)، "زاد المسیر"، دارالکتب العربی، بیروت.
  3. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (1422ق)، "المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز"، دارالکتب العلمیه، بیروت.
  4. ابن منظور، محمد بن مکرم (1414ق)، "لسان العرب"، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت.
  5. ابوخلیل، شوقی (1423ق)، "اطلس قرآن"، دارالفکر المعاصر و دارالفکر، بیروت و دمشق.
  6. ابوعبیده، معمر بن مثنی (1381ق)، "مجاز القرآن"، مکتبه الخانجی، مصر.
  7. أزهری، محمد بن احمد (1421ق)، "تهذیب اللغه"، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
  8. آلوسی، سید محمود (1415ق)، "روح المعانی فی تفسیر القرآن"، دارالکتب العلمیه، بیروت.
  9. بیضاوی، عبدالله بن عمر (1418ق)، "انوار التنزیل و اسرار التاویل"، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
  10. پورجوادی، نصرالله (1369ق)، "حقائق التفسیر"، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
  11. توفیقی، حسین (1387ش)، "آشنایی با ادیان بزرگ"، سمت، تهران.
  12. ثعلبی، احمد بن محمد (1422ق)، "الکشف و البیان"، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
  13. خزائی، محمد (1398ش)، "اعلام قرآن"، امیرکبیر، تهران.
  14. دینوری، عبدالله بن محمد (1424ق)، "الواضح فی تفسیر القرآن"، دارالکتب العلمیه، بیروت.
  15. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412ق)، "مفردات الفاظ قرآن"، دارالقلم، بیروت.
  16. زبیدی، محمدمرتضی (1414ق)، "تاج العروس"، دارالفکر، بیروت.
  17. شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (1363ش)، "تفسیر اثنی عشری"، میقات، تهران.
  18. صابونی، محمدعلی (1421ق)، "صفوه التفاسیر"، دارالفکر، لبنان.
  19. طباطبایی، سید محمد حسین (1417ق)، "المیزان فی تفسیر القرآن"، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
  20. طبرسی، فضل بن حسن (1372ش)، "مجمع البیان فی علوم القرآن"، انتشارات ناصرخسرو، تهران.
  21. طبرسی، فضل بن حسن (1412ق)، "جوامع الجامع"، حوزه علمیه قم، قم.
  22. طریحی، فخرالدین، (1375ش)، "مجمع البحرین"، کتابفروشی مرتضوی، تهران.
  23. عبدالباقی، فواد (1374ش)، "معجم المفهرس لافاظ القرآن الکریم"، انتشارات اسلامی، تهران.
  24. عروسی حویزی، علی جمعه، (1415ق)، "نور الثقلین"، اسماعیلیان، قم.
  25. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (1420ق)، "مفاتیح الغیب"، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
  26. فراهیدی، خلیل بن احمد (1410ق)، "کتاب العین"، انتشارات هجرت، قم.
  27. فضل‌الله، محمدحسین (1419ق)، "من وحی القرآن"، دارالملاک، بیروت.
  28. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (1415ق)، "الصافی"، انتشارات صدر، تهران.
  29. فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، "مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر"، دارالهجره، قم.
  30. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (2000م)، "لطائف الاشارات"، الهیئه المصریه العامه للکتاب، قاهره.
  31. القمی، علی بن ابراهیم (1367ش)، "تفسیر علی بن ابراهیم القمی"، دارالکتب، قم.
  32. ماسون، دنیز (1386ش)، "قرآن و کتاب مقدس درونمایه‌های مشترک"، ترجمه فاطمه تهامی، نشرسهروردی، تهران.
  33. مدنی، سید علی خان، (1384ش)، "الطراز الاول"، مؤسسه آل‌البتیت (ع) لاحیاء التراث، مشهد.
  34. مکارم شیرازی، ناصر (1374ش)، "تفسیر نمونه"، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
  35. ناس، جان بی (1375ش)، "تاریخ جامع ادیان"، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.



36. نسفی، عبدالله بن احمد (1416ق)، "مدارک التنزیل و حقائق التاویل"، دارالنفائس، بیروت.
37. هاکس، جیمز (1377ش)، "قاموس کتاب مقدس"، اساطیر، تهران.
38. هیوم، رابرت (1376ش)، "ادیان زنده جهان"، ترجمه عبدالکریم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.